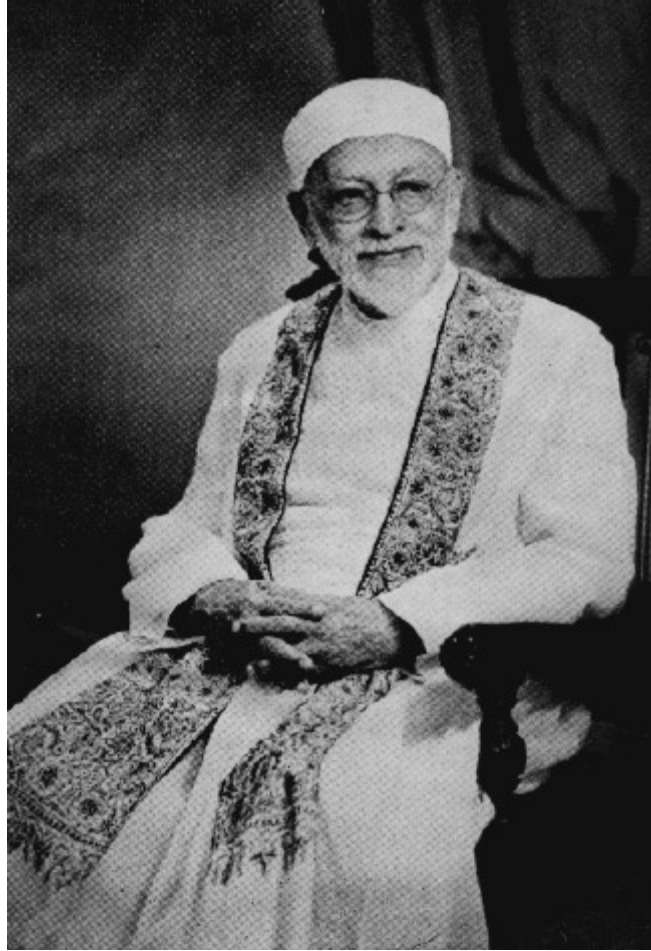


# مردی برای تمام فصول



نگاهی به زندگی شمس العلماء دستور، دکتر مانجی نوشیروانجی دهالا

از کسانی شویم که این زندگانی را تازه می کنند... (اشو زرتشت)

ترجمه و گردآوری: فرید شولیزاده

چنین است که هر کس به ژرفا و از روی خرد گاتها بخواند و دستور های گهربار آن را در کردار زندگی روزانه به کار بندد چنان که و خشورمان فرمود، در شمار کسانی قرار خواهد گرفت که این زندگانی را تازه می کنند... (دستور دکتر دهالا)

شادروان دستور دهالا (DHALLA, Maneckji Nusservanji) 1875 / 9 / 27 در خانواده ای از پارسیان هند در شهر سورت چشم به جهان گشود، وی انسانی بود پاک و وارسته، متفکری بود روشن فکر و پژوهشگری آزاده که نام و اندیشه او بر تارک تاریخ یک قرن اخیر پیروان زرتشت چون خورشیدی جهان افروز می درخشید. وی از پیشگامان آموزش زبانهای اوستائی و پهلوی و از بنیاد گزاران آموزش فرهنگ ایران باستان در میان پارسیان هند و پاکستان بود، عمری ساده زیست و در راه گدازنده زرتشت، عاشقانه سوخت، چه خوش فرمود پدرم یک روز به استاد، فرزند مرا جز مکتب عشق، هیچ نیاموز...

ایشان دوران ابتدایی تحصیل خود را در مدرسه سر جمشید جی جی جی باهای در بمبئی گزاراند. سپس در محضر درس شادروان خورشید جی رستم جی کاما استاد نامی زبانهای ایران باستان به تحصیل پرداخت و پس از آن راهی آمریکا شد تا در دانشگاه آکسفورد نیویورک تحت آموزش پروفیسور ویلیام جکسن استاد نامی زبانهای اوستائی و سانسکیریت به تحصیل ادامه دهد.

پس از پایان تحصیل با کارنامه ای ممتاز به هند بازگشت، دکتر دستور دهالا از طرف زرتشتیان ایالت سند و بلوچستان (پاکستان امروزی) ابتدا به مقام دستوری و سپس به عنوان دستور بزرگ (دستور دستوران) آنجا برگزیده شد.

دستور دکتر دهالا را باید یکی از بی باکترین اصلاح طلبان و رفورمیست های آئین زرتشتی و در واقع از احیا کنندگان مزدیسنی (متد اتکا کردن تنها به گاتها) به شمار آورد که در واقع در این راه از طعن و لعن همکیشان متعصب و جاهل خود هیچگاه نترسید و در راه نشان دادن حقایق دین و آموزشهای واقعی اشو زرتشت تا آنجا که در توان داشت کوشید.

دستور دهالا نویسنده ای بود پر کار که تالیفاتش بسیار و مطالب نوشته هایش پیوسته مورد نظر اندیشمندان زرتشتی و دانشمندان دیگر کشور های جهان قرار گرفته، بطوری که کتابهای ایشان بارها در هند و آمریکا تجدید چاپ گردیده است. از جمله تالیفات مشهور آن دستور بزرگ عبارت است از:

**1): نیایشها و ترجمه آن به انگلیسی، چاپ 1908 نیویورک**

**2): خدانشناسی زرتشتی، چاپ 1914 نیویورک**

**3): جهان کاوی ما، چاپ 1930 نیویورک**

**4): تمدن زرتشتی، چاپ 1922 نیویورک**

**5): تاریخ زرتشتی گری، چاپ 1963 بمبئی**

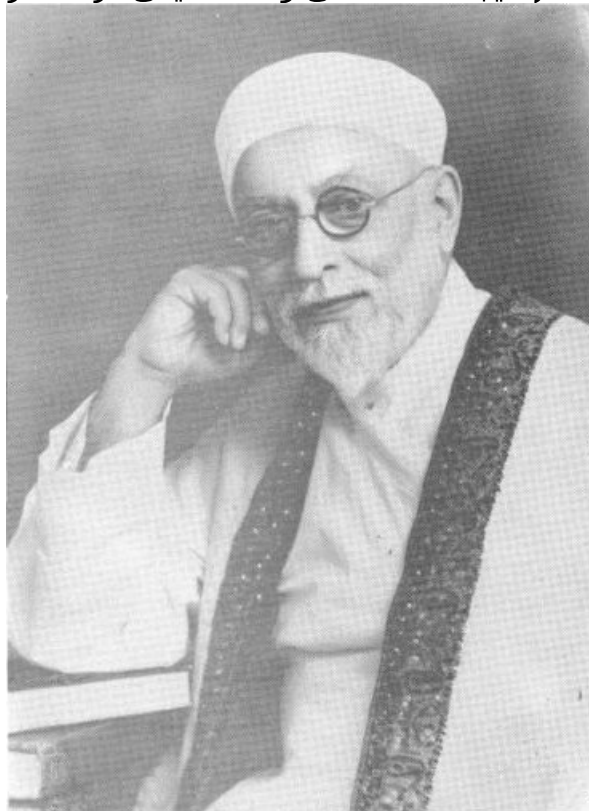
**6): راه زندگی زرتشت، چاپ بمبئی**

...

و تعداد زیادی جزوه و متون سخنرانی های ایشان که بعدها سرمایه ای بنام موسسه شرق شناسی گردآوری گردیده و کتابها و مقالات دینی و متون و سخنرانی های آن دستور بزرگ را چه در هند و چه در خارج به چاپ رسانید.

بسیاری از مستشرقین ایشان را بعنوان یک موبد روشن فکر بنیاد گزار مکتبی در شرق می دانند که نگاهش در فرای لایه های تاریخ، تنها به گوهره فکری زرتشت است و تنها اتکا و الهام از گاتها را جایز می داند، این موج فکری در کشور ما نیز اندیشه های بسیاری را در نوردید و هنوز هم می نوردد و پیروان زیادی داشته و دارد (منجمله این قلم)، دکتر علی اکبر جعفری این پاکمرد بزرگ، سالها در نزد وی و محضر درس ایشان به تحصیل علوم دینی و زبانهای باستانی مشغول بوده، بزرگ مردانی چون استاد رشید شهردان، موبد فیروز آذرگشسب و موبد رستم شهزادی در نوشتارها و بیاناتشان به وضوح برتابنده

تأثیرات فکری ژرف آن بزرگوار بوده اند. حتی محققینی مسلمان چون جلال الدین آشتیانی، دکتر حسین وحیدی و هاشم رضی نیز از موج اندیشه های ایشان بی نسیب نماندند. دکتر علی اکبر جعفری، ایشان را چنین توصیف می کند: ایشان (دستور دکتر دهالا) نخستین کسی بودند که مرا بصورتی ژرف با زبان اوستایی و ادبیات پهلوی آشنا ساختند و سپس مرا در نیل به شناخت گوهره راستین پیام زرتشت و دین بهی رهنمود کردند، آن پاکمردی که من همواره پیکره زرتشت را در چهره درخشنده اش می دیدم و هنگامی که سخن می گفت در می سفت، می انگاشتم که خود زرتشت با من هم سخن است، آنچه من از پیام زرتشت دریافتم همان بود که آن پاکمرد راستین به من آموخت، همو بود که مرا به دنیای مینوی زرتشت رهنمون کرد و بسیاری از گره های معنویت را برایم گشود، آنچه من فهمیده ام و دریافته ام نتیجه همسخنی و همنشینی در محضر ایشان بود...



### **در ادامه گزیده هایی از سخنرانی ها، خطابه ها و نوشتارهای دستور بزرگ انوشیروان دهالا را در برابر دیگانتان قرار می دهم:**

«در دورانی که رمه داران ساده دل خرافی هراسان و وحشت زده در تارهای عنکبوتی کاویها، کرپن ها ، اوسیج ها و کاهنن کج اندیش آریاها گرفتار بودند و برای جلب رضایت موجودات غول پیکر و هوسران آسمانها به خدمت دلالان و واسطه ها پرداخته با تقدیم قربانی های خونین و نذر و نیاز و انجام آداب و رسوم و شعائر بیهوده به رحمت خدایان دروغین امیدوار بودند، در اعصار تاریک و سیاهی که ایندرا، وارونا، میترا، آگنی، ناستیه، آریامن و صدها خدایان دیگر کوچکترین حوادث را تحت نظارت خود داشته و بدون دریافت رشوه و مشاهده عجز و التماس بندگان ذلیل خود آنها را آزاد نمی گذاشتند و خوشی و ناخوشی، سعادت و ذلت ، زوال و رفعت مردم در دست این خدایان بود و وسیله و واسطه جلب رضایت آنان نیز کاهنان فاسد و سوداگر ادیان کهن آریایی بودند، کاهنان مهری برای کمک به مردمان در مراسم پیچیده قربانی مزدهای گزاف می گرفتند و اگر مزدی داده نمی شد کاهن ادعیه لازم را نمی خواند! حق الزحمه را قبل از تقدیم قربانی می بایستی

می پرداختند و جالب آنکه بدیشان تفهیم شده بود که بدون ادعیه کاهن قربانی پذیرفته نمی شود؟! برای هر خدمت دقیقا" پاداش معینی در نظر گرفته شده بود که باید داده می شد، چند اسب، گاو و یا چه میزان طلا بخصوص طلا که در تحریک خدایان و و مرد کاهن بیش از هر چیزی موثر بود، خواندن ادعیه و انجام مراسم فقط وظیفه روحانیون مهری محسوب می شد و مردم عادی از این کار منع شده بودند. در سروده های ودا اغلب خدایان نیز به رهبری این مراسمات خونین و کمک به کاهن دعوت می شوند. در سروده های وداها و کتب دینی بینش های سامی پیوسته خدایانی تجلیل می شوند که لبریز از غضب و قدرت هستند در برابر این خشم و قوت هراس انگیز خدایان، مردمان در احترام توأم با ترس و وحشت به سر می برند و برای جلب نظر آنان و فرونشاندن خشمشان می بایست دائمًا" در حال ذکر اوراد و انجام نذر و نیاز بوده و به انجام قربانی های خونین پردازند. صراحت و قاطعیتی که زرتشت در اعلام آزادی انسان برای انتخاب سرنوشت خویش به کار می برد و با این عمل خط بطلان بر همه واسطه ها و رابطه ها کشیده، قلدان و سران زورگو را بی اعتبار می سازد، او خدایان را از تخت قدرت به زیر می کشد، این کار او تحسین بر انگیز و اعجاب آور است، چندین هزار سال قبل زرتشت در توحیه خیر و شر، نیکی و بدی، کفر و ایمان، پارسایی و بی تقوایی، سعادت و ذلت و تصریح اختیار و اراده آزاد انسان برداشتی را مطرح کرد که هنوز بشر قرن بیستم به آن دست نیافته است. به نظر زرتشت انسان راست دین هنگامی که از روی دانایی و شعور به وجود بزرگ دانای هستی بخش یکتا معرفت یافت و با اختیار و اراده آزاد راه حق پیموده صفات کمالیه خداوند متصف شده و تجسم 3 اصل عملی پندار و گفتار و کردار نیک خواهد گردید. فقط در اجتماع این اشته و نهای نیک منش آزاد و آزاده، روشن ضمیر پاک درون است که آرامش و آسایش برقرار گشتهو بهشت بهترین اشته و بهترین منه برپا خواهد شد در این سرای نغمه و سرود نه جای کاهن است و نه دکانداران دین، ارباب و سلطان و رهبر خودکامه را در این سرا جای نیست آنجا مسکن انسانهای رها یافته از زشتی درون و حکومت تحمیلی برون است، انسان آنگونه که باید نه آنگونه که هست، این راهی است که در هیچ دورانی بشر بدان دست نیافته و تا زمانی که مردمان به خود آگاه رهرو با نظام اشا نشوند و با خلقت و راستی هماهنگ نگردند جامعه روی سلامت و آرامش را نخواهد دید...»

... یک روحانی واقعی زرتشتی در اندیشه و کردار به تقوی حقیقی دست می یابد. او کسی است که ماموریتش برای پیشرفت و ترقی جهان وابسته به فعالیت او در جامعه است. هدف او دفاع از خواست ها و مصائب و آلام افرادی در جامعه بشریت است که نصیب کمتری یافته اند... او باید بداند که پرستش خداوند و ستایش حق برای خشنودی و رضایت او نیست، که پروردگار نه احتیاج به نیاز و نماز آفریدگان دارد و نه معرفی و شناسایی خویش. مقصود و هدف دین پرورش انسان است، انسان عامل و فعال و مفید، انسان با فضیلت و سراسر معرفت، انسان مهربان و دلسوز و خردمند و آگاه این چیزی است که یک روحانی زرتشتی برای رسیدن به آن می بایست کوشش کند...

... ارزش بی مانند پیام زرتشت زمانی نمود می یابد که به اجتماع مذهبی کنونی بنگریم و ببینیم که چگونه هنوز دلالتان و رمالان و دجالان، دین را وسیله تخدیر و تحمیل مردم قرار داده و از تجارت آن بر مغزها امارتها ساخته اند، خداوند را وسیله ای برای تحمیل ذلت و درماندگی و بهشت و جهنم را وسیله ترس و امید برای تثبیت بساط استعمار و استثمار توده های درمانده و تامین خاطر کلاشانی که با دین به معامله می پردازند و از کلاه شرعی آسودگی خاطر به دست می آورند، کرده اند. پیامبر ما در بیش از سه هزار سال پیش اعلام کرد ای انسان تو که دارای عقل و شعور و خردی، از این نعمت معنوی

بهره گیر و به خوشتن خویش بازگرد و انسان با فضیلت شو و از هر واسطه و دلال آداب و شعائر ناسودمند و تشریفات پرهیز و ضمیر روشن خود را راهنمای راه راست ساز که با عمل نیک و سازنده در مسیر راستی و نظام حق و قانون گیتی خداوند را خشنود خواهی ساخت و با دست رسی به فضایل انسانی، مینوی و متصف شدن به صفات خداوندی، خدای گونه خواهی شد. خداوند در نظام گیتی و خوبی های جهان وجود خود را به تو آشکار می نماید و برای دسترسی به او فقط به خودت باید متکی گردی و عمل خودت را وسیله فرار دهی...

بدانید و آگاه باشید که انسان اندیشه را می آفریند و اندیشه انسان را، این اندیشه است که از ما انسان می سازد و حتی وجود ما را از انسان هم بالاتر می برد و باز همین اندیشه است که ما را به ورطه سقوط کشانیده و از جانوران زیانمند هم زیانمندتر می گرداند. یاران به گاتها بنگرید لطافت و روح پیام دلنشین اشوزرتشت در آن موج می زند و انسان متعالی می سازد و بنگرید به جهان طوفان زده امروز، که چگونه افکار مادیگرای راست و چپ، بشر را مسخ خود کرده اند و چه شتابان از روشنایی و معنویت خداوند دور می گردند...

... ما همه چیز را درباره زندگانی محمد می دانیم و چیزهایی هم درباره زندگی بودا و عیسی می دانیم ولی راستش را بخواهید هیچ آگاهی از زندگی زرتشت نداریم! ولی هیچ جای افسوس خوردن نیست. [دکتر جعفری این سخن را ادامه می دهد: ما را کاری با نشست و برخاست، رفت و آمد، پیاده روی و سواره آبی، خواب و خوراک، پوشاک و خانه او نیست زیرا روش زندگی کردن روزانه هر کس و هر زمان از هم جداست و بسته به خود او و زمانش است. ما پیامش را می خواهیم که شاهکارش است و جاودانی است و دارای حقیقتهایی است که زمان و مکان نمی شناسد خوشبختانه آن پیام را از آغاز تا پایان در دست داریم، ما را پیام او بس است...]

... ایدآل حیات در نظر زرتشت بوسیله خلسه در گوشه جنگل و یا ریاضتهای شمنی و تنهایی بدست نمی آید بلکه آن را باید با کوشش و جد و جهد و تحمل مشکلات زندگی با عمل خود خرید. تجدید حیات جامعه فقط از درون فعالیت و کوشش خود آگاه افراد جامعه حاصل می گردد و یا بطور کلی هر فرد این خانواده بزرگ بشری باید برای تحقق دستور عملی در بهبود شرایط موجود جامعه مسلح گردد و هر یک از افراد موظف است که بطور مداوم عمل رهایی و نجات جهان را با دنبال کردن اراده الهی تعقیب کند...

... آزادی و آزادگی، شعور و عقل بزرگترین و شریفترین نعمتهایی است که به بشر شخصیت انسانی داده و او را از حیوان متمایز می سازد این حقیقت درخشان در گاتها منعکس گردیده و زرتشت آن را با کلامی رسا برای ما بیان داشته، ای مردم با گوشه های باز و از روی خرد و معرفت و با چشمهای روشن بین به این حقیقت بزرگ توجه کنید تا به چگونگی پرستش واقعی خداوند جان و خرد پی ببرید و به بارگاه فروغ و بهشت آرامش دست یابید، بهشتی که در درون شما و در وجدان و جامعه شما بر پا خواهد شد. ای مردم از خواب غفلت بیدار شوید و نسیم دلپذیر انسانیت را احساس کنید و آهنگ دلنواز آزادگی را بشنوید تا به صفات کمالیه دست یافته خدایی شوید. تو ای انسانفازاد آفریده شده ای تا در گزینش راه خویش نیز آزاد باشی. به اسلحه دانش و راستی و اندیشه نیک خود را بیارای تا درست و راست برگزینی. نازندگی و نیستی در حماقت و نادانی است که به پیروزی زشتی و توسعه قدرت دروغ منش ستمگر انجامد. حیات و زندگانی واقعی در آزادی و آزادگی است که بر دانش و معرفت بنا شده. انسان آزاده و دانا زنده است و انسان

نمایی که گرفتار تحمیل، تحمیل و اسیر زنجیر های جهل و فریب و زشتی و دروغ است از حیات واقعی محروم است، پس گوهر زشتی و دروغ نازندگی به بار می آورد و گوهر پاکی و راستی حیات، خشنودی مزدا نیز در آن است که تو ای انسان به راستی و اشا پیوندی و آزاد و آزاده در راه پاک و انسانی گام برداری، دیوسیرتان که حریت مردم را قربانی هوسهای زشت و پست خود می سازند دیواند که بصورت انسانها بر مردمان حکومت می کنند. به قدرت منش نیک سلطه این اهریمنان را در هم شکن و دست آنها را از جامعه کوتاه کن و دروغ را به دستهای راستی سپار تا مردم بتوانند شکوفا شوند و حیات انسانی یافته، جهانی نو بسازند. آنها که با تعالیم دروغ جهان را تباه می کنند این سخنان به گوششان ناگوار است... برادران و خواهران، آنچه شما را گفتم چکیده پیامی بود که از هات 30 و 31 گاتها دریاف می شود، پیامی که برای آزادی بشر است و برای دانایی چنین ارج و قدری قائل است...

...کنیفترین و زشتترین جنایات تاریخ قتل و آزار مردم به خاطر عقیده و طرز فکر آنهاست، در جهان هیچ کس دین خود را با بررسی و تحقیق و بر پایه دلایل علمی بر نمی گزیند، به همین دلیل هیچ کس حق ندارد آنچه به وراثت و عادت و یا از راه عاطفه و تلقین پذیرفته، مبنای حکومت بر دیگران قرار دهد، کسانی که یک مذهب را پایه تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت مردم قرار می دهند، به یک جنایت عمومی بر علیه بشریت اقدام کرده اند...

...پاران، دین زرتشتی تنها بوسیله حقایق ابدی خود زنده خواهد ماند نه عبادت های خشک و کورکورانه من و شما، این دین با اعتقاد به یگانه هستی بخش دانا، ایمان و پایداری در مثلث پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، قانون تسلیم نشدنی راستی و درستی، پاداش و کیفر درونی، اشتیاق برای ترقی جهان به سوی تکامل، چیرگی ابدی نیکی بر بدی به کوشش انسان در سایه تجلی معنویت نور خداوندی پایدار خواهد ماند، اینها هستند پابرجا ترین و بزرگترین واقعتهای زندگی که همیشه وجود خواهند داشت، و اینها هستند عناصر جاودانگی دین زرتشتی...

...در طول تاریخ، چه ناروا پیرامون زرتشت نوشتند و سخن راندند، درباره این بزرگ مرد خردمند چه تصاویر دروغین که نساختند و از دروغهای خویش چه افسانه ها که برپا نکردند، پارسیان بدانید دگم گرای و ریتوالیسم از زمانی در ادیان ظهور پیدا می کند که گردانندگان آن دین یا مسلک توجیه وجود خویش را در دیکته کردن مشتی آداب و رسوم بی حاصل و خرافی بر آحاد پیروان آن دین ببینند، آگاه باشید که انسان می تواند از دگماتیسم و ریتوال دست بردارد اما باز هم مومن و آزاده باقی بماند، راستی و درستی آنگونه که زرتشت آموزش داده بر تقوای فردی متکی است نه بر مراعات وسواسی آداب، رسوم و شعائر خاک گرفته و خرافی یا انجام دقیق مراسم های تطهیر، پارسیان در راه درستی و راستی، پایدار و با استقامت گام بر دارید و بدانید که تنها در این حالت زرتشتی راستین هستید، هرگاه بشر انفراداً یا مجتمعاً از تعالیم زندگانی بخش و جاودانی زرتشت پیروی می کرد اندیشه دگرگون ساختن این سیاره خاکی به فردوسی زیبا و خیال انگیز تحقق می یافت و در آن بهشت اشتی و سرور با اشعار پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک و مفهوم اشم و هو، یعنی سازش با قانون هنجار هستی، حکمفرما می گشت...

آهیا یاسا نِمَنگهآ، اوستانه ز ستو رَفِدَرَهیا، منیه اوش مزدا

(اینک با دستهای بر افراشته در نماز، لطف و آرامش تو را خواستارم، ای خداوند دانیای ناپیدا...)

در هیچ یک از سرودهای اشو زرتشت نشانی از مراسم رنگین و یا خونین که همراه عجز و گریه و زاری و نکبت باشد دیده نمی شود، این حقیقتی است که اگر غم و اندوه بصورت جزئی از عبادت و مراسم نیایش در آید و روحیه شاداب و تازگی را از زندگی انسانها بزدايد، جهان متوقف می شود و در آبادی و تازه گردانیدن زندگی خلل پدید می آید، عبادت و نیایشی شایسته است که باعث زندگانی دراز و پربار شادی و خوشی برای همه انسانها گردد و جهان را بسوی آبادی و تازگی پیش ببرد، چنین خواهانم از اهورامزدا، ایدون باد...

شادروان دستور دهالا در 25 می 1956 میلادی در شهر کراچی پاکستان چشم از جهان فرو بست و به رحمت ایزدی پیوست، روانش شاد و نام و راهش جاودانه باد.

**خاک پایش طوطیا چشم من...**

### **یاری نامه:**

**1:** خدانشناسی زرتشتی، دکتر دستور دهالا، انتشارات فروهر

**2:** مجموعه سخنرانی های دستور نوشیروان دهالا، موسسه شرق شناسی، 1982 کراچی

**3:** پیام زرتشت، دکتر علی اکبر جعفری، انتشارات فروهر

\_Zoroastrian Theology. DHALLA, (shams ul ulama.dr.dastur), Maneckji Nusservanji

\_history of Zoroastrianism. DHALLA, (shams ul ulama.dr.dastur), Maneckji Nusservanji

\_our perfecting world. DHALLA, (shams ul ulama.dr.dastur), Maneckji Nusservanji

\_Zoroastrian civilization. DHALLA, (shams ul ulama.dr.dastur), Maneckji Nusservanji

\_mankind whither bound?. DHALLA, (shams ul ulama.dr.dastur), Maneckji Nusservanji

